

کارل مارکس به ویلهلم بلوس در هامبورگ

لندن، ۱۰ نوامبر ۱۸۷۷

شماره ۴۱، خیابان میتلند پارک، شمال غربی لندن

دوست گرامی، بلوس،

از این که سرانجام بار دیگر نامه‌ای از تو دریافت کردم، خرسند شدم (این «تو» بی‌اختیار از قلمم لغزید؛ از این پس لطفاً همان را بپذیر و «شما»ی رسمی را کنار بگذار). مدت‌ها پیش پیشنهاد کرده بودم که آن ایزولدهٔ نفرت‌انگیز کنار گذاشته شود، و خود نیز بی‌ثمر در برابر او شوریده بودم. [1]

هرگاه در واژه‌ی la Place حرف «P» را بزرگ می‌نویسند، مقصود میدان واندوم است؛ زیرا در آن زمان این میدان مقرر فرماندهٔ گارد ملی بود، مقامی که در پاریس، نقشی مشابه «فرماندار شهر» در اصطلاح ما داشت. [2] درباره‌ی تعبیر suppression de l'État، عبارتی که خود لیساکاره در چاپ دوم فرانسوی [تاریخ کمون پاریس، ۱۸۷۱] اصلاح خواهد کرد، باید گفت مراد او تفاوتی با آنچه من در جزوه‌ام جنگ داخلی در فرانسه آورده‌ام ندارد. به‌اختصار می‌توان آن را چنین ترجمه کرد: «نابودی (یا امحای) دولت طبقاتی». [۳]

من — به قول هاینه — «کینه‌ای در دل ندارم»، و انگلس نیز چنین است. هیچ‌یک از ما ذره‌ای برای محبوبیت ظاهری ارزش قائل نیستیم. بگذار نمونه‌ای بیاورم: چنان از «کیش شخصیت» بیزار بودم که در دوران انترناسیونال [۴]، هنگامی که — از کشورهای مختلف — پیشنهادهایی پی‌درپی برای تجلیل عمومی به ستوهام آورده بود، هرگز اجازه ندادم هیچ‌یک از آنها علنی شود، و با بی‌اعتنایی حاکی از نکوهش پاسخشان را ندادم. [۵] هنگامی که من و انگلس نخست به انجمن کمونیست مخفی پیوستیم، تنها به این شرط پذیرفتیم که باید هرگونه بند و تبصره‌ای که به کژباوری نسبت به اقتدار بینجامد، از آیین‌نامه حذف شود (لاسال البته بعدها راهی وارونه در پیش گرفت). [۶]

با این حال، رویدادهایی از نوع آنچه در آخرین کنگرهٔ حزب رخ داد — که اکنون دشمنان حزب در خارج آن را دستاویز خویش ساخته‌اند — ما را ناگزیر کرده است که در روابط خود با «اعضای حزب در آلمان» جانب احتیاط را نگاه داریم.

گذشته از این، وضعیت جسمی‌ام ایجاب می‌کند که تنها ساعاتی را که پزشک‌ام برای کار مجاز دانسته است، به تکمیل کاپیتال اختصاص دهم؛ و انگلس نیز، با آن که سرگرم نگارش چند اثر مفصل است، هنوز گهگاه برای نشریهٔ فورورترس مطلب می‌فرستد. [۷]

خوشحال می‌شوم گهگاه از «مراوداتم با پدر بکا» نیز خبرهایی بشنوم! [۸]

انگلس به زودی برایت خواهد نوشت.

با دروهای گرم از سوی همسر و دخترم النور،

تماماً از آن تو،

کارل مارکس

یادداشت‌ها:

۱. ایزولده نفرت‌انگیز (Isolde): اشاره‌ای طنزآمیز از سوی مارکس، احتمالاً به یکی از فعالان یا شخصیت‌های درون حزبی است که در مکاتبات آن دوره میان اعضای حزب سوسیال‌دموکرات آلمان شناخته شده بوده است.

۲. La Place: مقصود مارکس میدان واندوم (Place Vendôme) در پاریس است که در جریان کمون پاریس (۱۸۷۱) به عنوان مقر فرماندهی گارد ملی عمل می‌کرد.

۳. Suppression de l'État: عبارتی فرانسوی به معنای «از میان برداشتن دولت». مارکس در جنگ داخلی در فرانسه (۱۸۷۱) از نابودی دولت طبقاتی سخن می‌گوید.

۴. منظور انجمن بین‌الملل کارگران است.

۵. کیش شخصیت (culte de la personnalité): اشاره به تمایل برخی از پیروان مارکس به قهرمان‌سازی از او؛ مارکس در چند نامه از جمله همین نامه آشکارا این گرایش را نکوهش می‌کند.

۶. لیگ کمونیستی (Communist League): نخستین سازمان کمونیستی بین‌المللی، تأسیس شده در ۱۸۴۷ در لندن، مارکس و انگلس با بازنگری در اساسنامه‌اش شرط حذف هرگونه بند اقتدارگرایانهٔ مقوم کیش شخصیت را مطرح کردند.

۷. فورورتس (Vorwärts): روزنامه‌ای سوسیالیستی در آلمان که نقش مهمی در انتشار دیدگاه‌های مارکس در دههٔ ۱۸۷۰ داشت.

۸. پدر بکا (Father Becker): احتمالاً اشاره به ویلهلم بکا (Wilhelm Becker)، یکی از سوسیالیست‌های آلمانی، یا لقبی طنزآمیز برای یکی از همکاران مطبوعاتی مارکس که با بلوس در تماس بوده است.